**نقاشی: شاهنامه و هنرمند امروز**

**پاکباز، روئین**

روئین پاکباز از دوم تا دهم دی‏ماه نمایشگاهی از آثار نقاشی نامهای‏ آشنایی چون نصرت اللّه مسلمیان،یعقوب عمامع پیچ،عباس سارنج‏ و حسین قره گزلو در گالری افرند برگزار شد.نقاشان‏ شرکت‏کننده در این نمایشگاه برداشتهای خویش را از شخصیتها و مضمونهای شاهنامه با زبانی نو و با دیدی امروزی ارائه کردند.

آنچه می‏خوانید یادداشتی است از استاد روئین پاکباز دربارهء این‏ نمایشگاه.

هزار سال از سرایش شاهنامه می‏گذرد،و بار دیگر فردوسی و حماسهء او در کانون توجه‏ جهانیان قرار می‏گیرد.جهانیان به شاهنامه همچون گوهری از گنجینهء ادبیات بشری می‏نگرند و آن را پاس می‏دارند.ایرانیان-افزون بر این-روح فرهنگ کهنسال خویش را در آن متجلی‏ می‏بینند.از اینرو،بازشناسی شاهنامه برای ما با جستجوی هویت فرهنگی درآمیخته است.

هنرمندانی که نمایشگاه حاضر را برپا داشته‏اند،با همین نیت به شاهنامه روی کرده‏اند.

از سوی دیگر،شاهنامه به این لحاظ که قرنها کارمایهء هنرمند ایرانی بوده است،اهمیتی‏ خاص دارد.در تاریخ هنر گذشتهء ایران،تنها نامهایی چون مولانا خلیل،میرمصور،سلطان‏ محمد،آقا میرک...،و در دورهء معاصر نام حسین قولر آقاسی و شاگردانش را به عنوان‏ تصویرگران موضوعهای شاهنامه می‏شناسیم.اما،صدها هنرمند گمنام ایرانی بارها و بارها از شعر فردوسی مایه گرفته‏اند و کتابها و دیوارها و پرده‏ها بیشماری را آراسته‏اند.هنر ایرانی‏ پیوندی دیرین به شعر فردوسی داشته است.درهر دوره،هنرمند موضوعی را از شاهنامه‏ برمی‏گزیند و آن را با معیارهای هنری زمان خود نقش می‏زند.بدینسان،ذهن شاعر بر جایگاهی بلند استوار مانده،ولی برداشت هنرمند از اثر سترگ او با زمان دگرگون می‏شود.

هنرمند دیروز به شاهان،پهلوانان،و داستانهای شاهنامه می‏پرداخت.هدف او نقش‏آفرینی‏ و تصویرگری بود.جهانی انتزاعی از شکلها و رنگها می‏آفرید چنان زیبا و خیال‏انگیز که صحنهء رزم و بزم در آن یکسان می‏نمود.دنیای مثالی او تراژدی‏های فردوسی را برنمی‏تابید.هنرمند امروز-ناگزیر-نگرشی و روشی دیگر دارد.هنرمند امروز ممکن است در دنیای آفریدهء فردوسی نه افسانه بل واقعیت،و نه«قهرمان»بل«انسان»را بجوید.او ممکن است پژواک‏ اسطوره‏ای از اعصار کهن را در زندگی عصر کنونی بازیابد.او نیز ممکن است به انتزاع گراید اما با قصد آنکه از موقعیت شخصیتهای شاهنامه موقعیت انسانهای این زمان را استنتاج کند.

آثاری که می‏بینیم تجربه‏های نگرش هنرمند امروز بر شاهنامه‏اند که گاه ساختاری مناسب بیان‏ مضمون یافته‏اند.و این شاید آغاز حرکتی باشد.